

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

هو الوكيل

کارگاه آموزشی مقررات انتظامی وکلای دادگستری

کانون وکلای دادگستری استان سمنان

قبل از ورود به موضوع بررسی مقررات انتظامی وکلای دادگستری بیان عناوین قوانین مرتبط با شغل وکالت که تمام وکلای دادگستری اعم کارآموزان و وکلای پایه یک دادگستری باید آنرا مورد مطالعه قرار داده و فرا گیرند خالی از فایده نیست

اصل ۳۵ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸

مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰

قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵

نظامنامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶

لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳

آیین نامه اجرائی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ و آخرین اصلاحات ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

آیین نامه تعرفه حق الوکاله، حق المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۸

آیین نامه ساماندهی حق الوکاله و حق المشاوره خدمات وکلای دادگستری و مشاوران حقوقی در دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۹۷

قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶

آیین نامه صدور جواز وکالت اتفاقی (موقت) مصوب ۳/۳/۱۳۷۸

قانون استفاده بعضی از دستگاهها از نماینده حقوقی در مراجع قضائی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی از پرداخت هزینه دادرسی مصوب ۱۳۷۴/۰۳/۱۷

قانون اجازه وکالت دادگستری به افسران قضائی لیسانسه حقوق بازنشسته نیروهای مسلح مصوب ۱۳۵۱

قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵

آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۷۲

آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰) قانون تشکیل صندوق حمایت وکلا و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۷۸

مواد ۳۱ الی ۴۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹

ماده ۵ و تبصره ۲ ماده ۱۳ و ماده ۴۸ و تبصره آن و ۶۸ و ۱۵۴ و ۱۵۲ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۴ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

مواد ۶۵۶ الی ۶۸۴ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳

ماده ۱۰۳ و بند ۱۱ ماده ۴۶ و ۱۸۶ و ۱۸۸ و ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم با اصلاحات و الحاقات بعدی ۱۳۹۴

ماده ۶ قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

قسمت (ش) تبصره ۶ قانون ماده واحده بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور در مورد الزام وکلای به ثبت قرارداد در سامانه

تبصره ۳۰ از قانون بودجه سال ۱۳۳۹ در دعاوی که دولت محکوم له واقع می شود حق مطالبه خسارت را مطابق آیین نامه قانون وکالت را دارا می باشد

قانون اجازه پرداخت پنجاه درصد از حق الوکاله‌های وصولی به نمایندگان قضایی و کارمندان مؤثر در پیشرفت دعاوی دولت مصوب ۱۳۴۴.۱۰.۱۲

رأی وحدت رویه شماره ۷۷۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نحوه مطالبه خسارت حق الوکاله توسط ادارات دولتی در مواردی که محکوم له واقع می‌شوند

ماده ۱۸۷ قانون برنامه پنجساله سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ با اصلاحات بعدی

آیین نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۷/۱/۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی

قرارداد الکترونیک و قرارداد مالی وکلای دادگستری

نظام نامه ثبت اطلاعات در سامانه قرارداد الکترونیک وکالت

آیین نامه اجرائی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ (منسوخ شده است)
رأی شماره ۶۶ مورخ ۲۷/۲/۱۳۸۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع: ابطال موادی از آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ وزارت دادگستری

نکات پیرامون مقررات انتظامی وکلای دادگستری

لازم به یادآوری است که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ اصلاحاتی در آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ توسط ریاست محترم قوه قضائیه صورت گرفته است که باید در مطالعه آیین نامه اجرائی مطمح نظر همکاران محترم قرار گیرد

موادی از آیین نامه اجرائی مصوب ۱۴۰۰ که ناقض استقلال کانون وکلای دادگستری بودند بر سه محور استوار بودند، در مورد صدور پروانه های وکالت، در مورد ابطال پروانه های وکالت و نیز موضوع تعقیب انتظامی وکلای دادگستری که در آخرین اصلاحات صورت گرفته در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ با اصلاح آیین نامه اجرائی صدور پروانه بدون حضور مقامات قضایی و صرفا با حضور ریاست محترم کانون وکلای دادگستری و ریس کمیسیون کارآموزی و دادستان انتظامی انجام می شود و ابطال پروانه وکالت وکلای دادگستری هم توسط کانون ها و نه مراجع قضایی یا دادگاه انتظامی صورت می گیرد. از سوی دیگر تعقیب انتظامی هم توسط خود کانون های وکلا انجام خواهد گرفت.

نکته اول :

آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ پیرامون ساختار دادرسی و دادگاه انتظامی و نیز انواع مجازات های و تخلفات توسط وکلای دادگستری ملاک عمل می باشد و کارآموزان وکالت مشمول کلیه مقررات انتظامی خواهند بود و تفاوتی بین وکلای پایه یک و وکلای پایه دو و کارآموزان وکالت در مورد شمولیت مقررات انتظامی نسبت به آنها وجود ندارد

نکته دوم :

قانونگذار در بخش ۷ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰ تعداد ۶۱ ماده را اختصاص به دادسرا و دادگاه انتظامی و تخلفات وکلای و انواع مجازاتها داده است (مواد ۹۴ الی ۱۵۵)

نکته سوم :

دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری دارای یک دادستان و معاونین و دادیاران می باشد و برخلاف دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فاقد بازپرس می باشد

نکته چهارم :

معاون دادستان بعنوان معاون ارجاع ؛ معاون اظهار نظر ؛ معاون اجرای احکام انجام وظیفه میکند

نکته پنجم:

در مقررات جزایی در قانون آیین دادرسی کیفری دادستان مسئول تعقیب و بازپرس مسئول تحقیق می باشد اما در دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری ؛ دادستان و معاون دادستان و دادیاران حق انجام تحقیقات مقدماتی و اتخاذ تصمیم را دارند

در مقررات جزائی در فرض بروز اختلاف بین بازپرس و دادستان ؛ دادگاه کیفری دو یا دادگاه کیفری یک بر حسب مورد رفع اختلاف می نمایند اما در فرض بروز اختلاف فیما بین دادستان انتظامی و معاون دادستان و دادیار نظر دادستان ملاک عمل می باشد و امکان بروز اختلاف پیش بینی نشده است

نکته ششم :

دادستان و معاون دادستان و دادیاران توسط هیئت مدیره کانون وکلای برای مدت ۲ سال تعیین می گردند

نکته هفتم :

دادستان و معاون دادستان و دادیاران برای انتخاب باید شرایط عضویت در هیئت مدیره کانون را دارا باشند مانند (۸ سال سابقه وکالت پایه یک و عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر و داشتن حداقل ۳۵ سال سن و ۰۰)

نکته هشتم:

اشخاص ذیل می توانند بر علیه وکیل دادگستری اعلام تخلف نمایند

وزیر دادگستری (رئیس قوه قضائیه) ؛ دادستان دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ؛ رئیس کانون وکلای دادگستری ؛ کلیه مقامات قضایی که دارای پایه قضایی می باشند ؛ موکل ؛ طرف دعوی

نکته نهم :

علی الاصول عمده اعلام تخلف از سوی قضات دادگستری (دادگاه عمومی و حقوقی ؛ دادگاه خانواده ؛ دادگاه کیفری دو و دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب) علیه وکلای عدم حضور در دادگاه ؛ اخلال در نظم جلسه دادرسی ؛ عدم پرداخت مالیات و عدم تمرکز در محل مجاز می باشد

ضمانت اجرای اخلال در نظم جلسه دادرسی بر اساس مقررات جزائی اخراج وکیل و اعلام تخلف وکیل به دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری می باشد

ضمانت اجرای اخلال در نظم جلسه دادرسی بر اساس مقررات حقوقی اخراج وکیل و دستور حبس ۲۴ ساعت تا ۵ روز و اعلام تخلف وکیل به دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری می باشد

نکته دهم:

قضات اعلام کننده تخلف علیه وکیل صرفاً اعلام کننده تخلف محسوب می شوند و نه شاکی و به همین دلیل پس از صدور قرار منع تعقیب و یا قرار موقوفی تعقیب نتیجه تحقیقات مقدماتی و صدور قرار نهایی به آنها اعلام نمی شود و آنها حق اعتراض به قرار تصدیق را ندارند

اما این قاعده کلی یک استثناء هم دارد اگر رئیس کل دادگستری استان یا دادستان شهرستان مرکز استان یا دادستان شهرستان یا رئیس حوزه قضایی اعلام تخلف نماید دادسرای پس از اتخاذ تصمیم مبنی بر قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب باید نظر خود را به دادستان شهرستان اعلام نماید که دادستان شهرستان حق دارد ظرف ده روز پس از ابلاغ اعتراض نماید که به اعتراض ایشان در دادگاه انتظامی وکلای رسیدگی می شود

نکته یازدهم:

تمام قرارهای منع تعقیب و قرارهای موقوفی تعقیب باید به رئیس کانون وکلای دادگستری و شاکی ابلاغ که در صورت تمایل به اعتراض ظرف ده روز پس از ابلاغ اعتراض نمایند

نکته دوازدهم :

مرجع رسیدگی به اعتراض قرار منع تعقیب و قرار موقوفی تعقیب تصدیق از دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگاه انتظامی وکلای دادگستری می باشد

نکته سیزدهم :

هر شعبه از دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری دارای سه دادرسی انتظامی می باشد (تعدد دادرسان) و دو دادرسی علی البدل که توسط هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب می گردند و باید دارای شرایط عضویت در هیئت مدیره را دارا باشند (۸ سال سابقه وکالت پایه یک - عدم محکومیت انتظامی درجه ۴ و بالاتر داشتن حداقل ۳۵ سال سن و ۰۰۰۰)

نکته چهاردهم :

عدم حضور وکیل در جلسه محاکماتی در دادگاه زمانی تخلف محسوب می شود که باعث تاخیر در روند دادرسی گردد

نکته پانزدهم :

عدم حضور وکیل در جلسه محاکماتی شاید باعث تاخیر در دادرسی نشود اما احتمال دارد باعث تضییع حق موکل گردد که در فرض اعلام تخلف از سوی موکل علاوه بر مسئولیت مدنی مبنی بر جبران خسارات وارده تخلف انتظامی هم محسوب می گردد

نکته شانزدهم :

اصول حاکم بر رسیدگی و صدور حکم

ممنوعیت عفو ؛ تکرار تخلف ؛ تعدد تخلف ؛ تخفیف مجازات انتظامی ، مرور زمان ؛ اناطه

نکته هفدهم :

اگر وکیل دادگستری بموجب حکم دادگاه انتظامی محکوم به تحمل مجازات انتظامی گردد و ظرف ۳ سال بعد از قطعیت مرتکب تخلف جدید از هر نوع و درجه گردد برای تخلف جدید به یک درجه بالاتر محکوم می گردد (تکرار تخلف)

نکته هجدهم :

در صورت ارتکاب تخلفات متعدد فقط یک مجازات انتظامی تعیین می گردد (تعدد تخلف)

نکته نوزدهم :

اگر وکیل دارای تخلفات متعدد شود که دارای مجازات انتظامی متفاوت می باشد محکوم به مجازات انتظامی شدیدتر می شود (تعدد تخلف)

اگر وکیل دارای تخلفات متعدد شود که دارای مجازات انتظامی یکسان می باشد یک مجازات تعیین و مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می گردد دادگاه انتظامی بهر حال حق دارد یک درجه بالاتر را تعیین نماید (تعدد تخلف)

نکته بیستم:

در مقررات جزائی اصولاً به دو شیوه محکومین مشمول عفو قرار می گیرند (۱): عفو خصوصی (۲): عفو عمومی عفو خصوصی: براساس مقررات قانونی کمیسیون عفو و بخشودگی استان به تقاضای محکوم رسیدگی و پس از اینکه مشارالیه را مستحق عفو شناخت به کمیسیون ملی اعلام و متعاقب آن اسامی واجدین شرایط به ریاست محترم قوه قضائیه و النهایه به تأیید مقام معظم رهبری میرسد

عفو عمومی: بر اساس مقررات جزائی در حال حاضر اجرای عفو عمومی مستلزم تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی می باشد اما پس از انقلاب ۱۳۵۷ در دو مرحله به فرمان حضرت امام خمینی (ره) اولین فرمان عفو عمومی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۸ در آستانه نوروز دومین فرمان بعنوان عفو عمومی زندانیان گروههای سیاسی در ۱۳۶۷/۱۱/۱۹ صادر گردید

در صورت احراز تخلف وکیل توسط دادگاه انتظامی امکان عفو وکیل به طور کلی و صرفنظر نمودن از تخلف ایشان در قوانین موضوعه راجع به وکالت پیش بینی نشده است و حتی درخواست انصراف از وکالت، از کارافتادگی، بازنشستگی و ابطال پروانه، مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست و تا تعیین تکلیف پرونده انتظامی و حسب مورد اجرای حکم، تقاضای بازنشستگی قابل پذیرش نخواهد بود. (عفو)

نکته بیست و یک:

اعلام گذشت شاکی خصوصی باعث صدور قرار موقوفی تعقیب نمی گردد که بنظر می رسد تخلفات وکلای غیر قابل گذشت محسوب شوند

نکته بیست و دو:

اعلام گذشت شاکی خصوصی می تواند از موجبات اعمال کیفیات مخففه توسط دادگاه انتظامی وکلای گردد

نکته بیست و سه:

اگر شاکی خصوصی اعلام گذشت نماید و پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادرسی باشد اصولاً اعضای دادرسی تمایل به مختومه نمودن پرونده دارند و شاید به همین دلیل با توسل به جهات صدور قرار منع تعقیب

(فقد ادله ؛ عدم کفایت ادله یا عدم احراز تخلف) اعلام می نمایند صرفنظر از اعلام گذشت شاکی خصوصی به دلیل فقد ادله و یا عدم کفایت ادله و یا عدم احراز تخلف قرار منع تعقیب صادر می گردد و اصولاً پس از گذشت شاکی خصوصی مشارالیه تمایلی به اعتراض به قرار صادره ندارد

نکته بیست و چهار:

پس از صدور حکم قطعی از دادگاه انتظامی در صورت گذشت شاکی خصوصی دادگاه انتظامی می تواند ۱ درجه مجازات انتظامی را تخفیف دهد

نکته بیست و پنج:

در روند دادرسی اگر شاکی خصوصی اعلام گذشت نماید دادگاه انتظامی اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد حداقل را تعیین می نماید و اگر فاقد حداقل و حداکثر باشد و یا دارای مجازات ثابت باشد یک تا دو درجه تخفیف می دهد

نکته بیست و شش:

جهات و دلایل اعمال تخفیف توسط دادگاه انتظامی

گذشت شاکی خصوصی ؛ همکاری با مقام رسیدگی کننده ؛ جبران خسارات شاکی خصوصی ؛ فقدان سابقه تخلفات انتظامی ؛ سابقه موثر در امر معاضدت

نکته بیست و هفت:

مرور زمان در اعلام تخلف دو سال از زمان ارتکاب تخلف و یا آخرین اقدام انتظامی در دادرسی یا دادگاه انتظامی می باشد (مرور زمان)

نکته بیست و هشت:

اگر امکان تفکیک جنبه کیفری فعل ارتكابی توسط وکیل با جنبه انتظامی آن ممکن نباشد دادرسی تعقیب انتظامی وکیل را منوط به رسیدگی به جنبه کیفری در مرجع قضایی می نماید (قرار اناطه) البته باید توجه داشت قرار اناطه در دادرسی انتظامی متفاوت با قرار اناطه موضوع ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی و یا ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری می باشد

نکته بیست و نه:

طرح شکایت در دادرسی انتظامی می تواند شفاهی و با حضور در کانون مطرح گردد یا کتبی باشد که اصولاً از طریق پست ارسال می گردد

نکته سی :

علی الاصول هر یک از کانونهای وکلای دادگستری به جهت درآمد زائی و بعنوان یک عامل پیش گیری از طرح دعاوی واهی بر علیه وکلای دادگستری اقدام به تعیین مبلغی بعنوان هزینه دادرسی برای رسیدگی به شکایت می کنند

که بنظر میرسد تعیین هزینه شکایت بنابدلایل ذیل صحیح نباشد

اولاً " بر اساس اصل ۵۱ قانون اساسی و بر اساس ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده تعیین هر گونه مالیات و عوارض باید بموجب قانون باشد (وحدت ملاک)

ثانیاً " بر اساس اصل عدم و اصل عدم زیاده اگر اختلاف حادث شود که آیا باید برای طرح شکایت انتظامی از شاکی پول دریافت کنیم یا خیر باید اصل را بر عدم قرار دهیم و دریافت پول را منتفی بدانیم

ثالثاً " رسیدگی به تخلفات وکلای یک وظیفه ذاتی دادرسی و دادگاه انتظامی وکلای است همانگونه که دادخواهی حق مسلم شاکی خصوصی می باشد و دادستان تکلیف به قبول شکایت انتظامی دارد

رابعاً " عدم پیش بینی ضمانت اجرای عدم پرداخت هزینه شکایت انتظامی در قوانین موضوعه راجع به وکالت که آیا باید از پذیرش دعوی شاکی امتناع نمود یا علی رغم عدم پرداخت هزینه باید بدان رسیدگی نمود که بنظر تکلیف به رسیدگی بعنوان یک وظیفه ذاتی که جزء قواعد آمره می باشد ارجح تر است به عدم رسیدگی

خامساً " منع هرگونه اقدام محدود کننده: مطابق ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، هرگونه اقدام محدود کننده محتاج قانون است که در این رابطه قانون وضع نشده است

سادساً " اصل عدم تبعیض : تصمیم هیت مدیره برخی از کانونهای مبنی بر دریافت هزینه دادرسی از آن جهت که صرفاً در خصوص «شاکی خصوصی» تکلیفی وضع نموده است و تسری به رئیس کل دادگستری استان یا دادستان شهرستان مرکز استان یا دادستان شهرستان یا رئیس حوزه قضایی و یا رئیس کانون وکلای دادگستری یا قضات درایا پایه قضائی ندارد، برخلاف اصل «عدم تبعیض» و بند ۹ اصل سوم، اصل نوزدهم و بیستم قانون اساسی است

نکته سی و یک :

پس از اعلام تخلف از سوی شاکی خصوصی؛ دادستان یا معاون دادستان پرونده را به یکی از دادیاران ارجاع می دهند و یک نسخه از شکایت و ضمایم آن به وکیل مشتکی عنه ابلاغ می گردد که ظرف ده روز پاسخ دهد
عدم دریافت اخطار و ضمایم آن توسط وکیل یک تخلف انتظامی جدید محسوب می باشد بغیر از آنچه شاکی خصوصی اعلام تخلف نموده است

عدم پاسخ به شکایت توسط وکیل یک تخلف انتظامی جدید محسوب می باشد بغیر از آنچه شاکی خصوصی اعلام تخلف نموده است

عدم حضور وکیل مشتکی عنه در دادرسی و در دادگاه انتظامی در صورتی که مقام رسیدگی کننده (دادستان؛ معاون دادستان؛ دادیاران دادرسی انتظامی) حضور ایشان را الزامی بدانند یک تخلف انتظامی جدید محسوب می باشد بغیر از آنچه شاکی خصوصی اعلام تخلف نموده است

نکته سی و دو:

انواع تصمیماتی که در دادرسی و دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری اتخاذ می گردد
قرار منع تعقیب؛ قرار موقوفی تعقیب؛ قرار تعلیق؛ قرار تعقیب؛ قرار عدم صلاحیت؛ قرار بایگانی شدن پرونده؛ ابطال پروانه کارآموزی؛ تعلیق وکیل؛ ارجاع به داور؛ صدور کیفرخواست و صدور حکم به محکومیت انتظامی وکلای

نکته سی و سه:

قرار موقوفی تعقیب در فرض فوت یا جنون وکیل مشتکی عنه صادر می گردد
اگر تخلف ارتكابی وکیل مشمول مرور زمان تعقیب گردد قرار موقوفی تعقیب صادر می گردد
اگر قبلاً نسبت به تخلف وکیل رسیدگی صورت گرفته باشد طرح مجدد همان تخلف مواجهه با صدور قرار موقوفی تعقیب می گردد (اعتبار امر مختوم)

اگر مجازات انتظامی یک تخلف بموجب قانون لاحق نسخ گردد دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب می نماید

نکته سی و چهار:

قرار منع تعقیب اصولاً به دلیل فقد ادله و یا عدم کفایت ادله و یا عدم احراز وقوع تخلف از سوی وکیل صادر می گردد

نکته سی و پنج :

قرار عدم صلاحیت به لحاظ شایستگی کانون دیگر یکی دیگر از تصمیمات دادسرای انتظامی می باشد که اتخاذ می کند اگر دادسرای کانون وکلای که شکایت در آن مطرح شده است خود را صالح به رسیدگی نداند اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت می نماید که پس از موافقت دادستان پرونده به کانون متبوع ارجاع رونوشت نامه جهت اطلاع شاکی به ایشان ابلاغ می گردد

اگر وکیل دادگستری در غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده است دفتر وکالت تاسیس نماید و یا عملاً فعالیت وکالتی خود را در محل دیگری متمرکز نماید متخلف محسوب می شود و این تخلف مستوجب مجازات انتظامی درجه ۳ (توبیخ کتبی با درج در پرونده و مجله رسمی و پایگاه اطاعاتی کانون) در نوبت اول و درجه ۴ (تنزل درجه) در نوبت دوم و درجه ۵ (ممنوعیت از سه ماه تا سه سال) در نوبت سوم خواهد بود.

نکته قابل اهمیت اینکه برای رسیدگی به این تخلف دو کانون صالح به رسیدگی می باشند در بادی امر به این تخلف در دادسرا و دادگاه انتظامی کانونی رسیدگی خواهد شد که تخلف در حوزه آن انجام شده است. در صورت عدم توجه و رسیدگی کانون اخیر کانون متبوع وکیل مزبور نیز حق رسیدگی خواهد داشت.

البته به این قاعده عام استثنائی هم وارد است مثل اینکه وکیل با اذن کانون وکلای متبوع خود در محل دیگر اشتغال به شغل وکالت داشته باشد و یا وکالت برای خویشاوندان تا درجه سوم وکالت نماید که از مصادیق آن می باشد البته در صورتی که حوزه اخیر که وکیل می خواهد در آن حوزه مشغول بکار شود تابع کانون وکلای دیگری باشد اجازه کانون مزبور نیز لازم است.

نکته سی و شش :

یکی دیگر از تصمیمات دادگاه انتظامی بر اساس تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت ابطال پروانه کارآموزی می باشد کارآموز باید در طول دوره کارآموزی حسن رفتار و حسن اخلاق داشته باشد در صورت سوء رفتار به تشخیص کمیسیون کارآموزی و تایید رئیس کانون وکلا دادگستری ؛ دادگاه انتظامی پروانه کارآموزی کارآموز را باطل می کند

نکته سی و هفت :

اگر طرفین پرونده (وکیل و موکل) در مورد میزان حق الوکاله و نحوه پرداخت و یا دریافت و یا استرداد آن با یکدیگر اختلاف داشته باشند و در متن قرارداد الکترونیک این موضوع پیش بینی شده باشد که کمیسیون داوری کانون وکلای دادگستری صالح به رسیدگی می باشد موضوع ارجاع به داوری می شود (ارجاع به داوری)

نکته سی و هشت :

بر اساس ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال وکلای و ماده ۱ آیین نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری ؛ حق الوکاله در بادی امر بر اساس توافق وکیل و موکل تعیین و مورد موافقت قرار می گیرد و علی الاصول با توجه به این مهم دادرسی انتظامی صلاحیت ورود به میزان حق الوکاله و چگونگی پرداخت آن ندارد

اما عدم پرداخت مالیات و عدم پرداخت سهم کانون و عدم پرداخت سهم صندوق حمایت یک تخلف انتظامی محسوب می گردد که این مهم زمانی به وقوع می پیوندد که وکیل محترم میزان حق الوکاله دریافتی را به نحوه صحیح در متن قرارداد اعلام ننماید و بر اساس آن سهم کانون و سهم صندوق حمایت و مالیات را پرداخت ننماید

نکته سی و نه :

پس از احراز تخلف وکیل توسط دادیار قرار تعقیب صادر که پس از موافقت دادستان کیفرخواست تنظیم و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی ارسال می گردد (قرار تعقیب)

نکته چهل :

اگر وکیل دادگستری مرتکب یکی از جرایم درجه ۱ الی ۶ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی شود دادستان دادرسی عمومی و انقلاب و یا رئیس حوزه قضائی پس از صدور کیفرخواست یا صدور حکم غیرقطعی می توانند از رئیس کانون وکلای تقاضای تعلیق وکیل را بنمایند که پرونده مستقیماً در دادگاه انتظامی مطرح می شود و اگر دادرسان دادگاه انتظامی دلایل را قوی تشخیص دهند و ادامه وکالت را منافی با شان وکالت بدانند حکم تعلیق موقت تا صدور حکم قطعی در پرونده کیفری صادر می کنند که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ به شرح ذیل اصلاح گردید (در اجرای ماده ۱۸ لایحه استقلال، در صورتی که رئیس قوه قضاییه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضاییه در این ماده به وی تفویض شده است یا رئیس هیأت مدیره کانون، به جهتی از جهات اشتغال وکیل را به وکالت مقتضی نداند از دادگاه انتظامی تعلیق وکیل را می خواهد. دادگاه مذکور حداکثر ظرف یک ماه به این درخواست رسیدگی می کند. در صورت صدور رای بر تعلیق، این رای قابل اجرا است. وکیل معلق حق تجدیدنظر خواهی دارد. رای عدم تعلیق نیز از سوی مقامات مذکور، قابل اعتراض در دادگاه عالی است.)

قرار بایگانی شدن پرونده

در صورتی که وکیل متخلف عضو کانون وکلای دادگستری نباشد و از همکاران محترم مرکز وکلای و مشاوران حقوقی موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه اقتصادی پنج ساله سوم باشد بعلت عدم امکان صدور قرار عدم

صلاحیت چاره ای جزء صدور قرار بایگانی نمودن پرونده و دلالت شاکی به مراجعه به مرکز وکلای برای اعلام تخلف نمی باشد

نکته چهل و یک :

رسیدگی در دادگاه انتظامی وکلای دادگستری یا برای رسیدگی به اعتراض به قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب و یا قرار تعقیب و کیفر خواست می باشد

نکته چهل و دو:

اگر اعضای دادگاه انتظامی قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب را تأیید نمایند قرار قطعی می گردد
اگر دادرسان دادگاه انتظامی قرار منع تعقیب و یا موقوفی تعقیب را نقض نمایند خود وارد ماهیت می شوند و رسیدگی می نمایند و موجبی برای اعاده پرونده به دادرسای وجود ندارد
اگر دادرسان دادگاه انتظامی در حین رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بدانند با ارجاع پرونده به دادرسای دستور انجام و تکمیل تحقیقات را صادر می نمایند و دادرسای با انجام تحقیقات مورد نظر و بدون اظهار نظر جدید پرونده را به دادگاه اعاده می نماید

نکته چهل و سه :

یکی دیگر از وظایف دادگاه انتظامی وکلای رسیدگی به قرار تعقیب و کیفر خواست می باشد که با دعوت دادستان و یا نماینده دادستان و شاکی یا وکیل ایشان و مشتکی عنه و یا وکیل ایشان جلسه رسیدگی تشکیل و پس از استماع اظهارات دادستان و یا نماینده ایشان و اظهارات شاکی و دفاعیات مشتکی عنه اقدام به اصدار رای می نماید

نکته چهل و چهار :

پس از تصدیق رای از دادگاه انتظامی شاکی خصوصی حق دارد نسبت به کلیه آرای صادره داخل در مهلت قانونی ده روز اعتراض نماید

نکته چهل و پنج:

پس از صدور رای از دادگاه انتظامی رئیس کانون وکلای دادگستری و دادستان انتظامی دادرسی کانون حق دارند نسبت به کلیه آرای صادره پیرامون برائت و قرار موقوفی تعقیب و تخلفات با مجازات انتظامی درجه ۴ و بالاتر داخل در مهلت قانونی ده روز اعتراض نمایند

چهل و شش :

مقامات مذکور در مواد ۸۸ و ۸۹ این آیین نامه (رئیس قوه قضاییه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضاییه را دارد) نسبت به کلیه آرای صادره و نیز رد تقاضای تعلیق در اجرای مواد ۶۹ و ۱۸ لایحه استقلال

نکته چهل و هفت:

محکوم علیه نسبت به احکام مجازات درجه چهار و بالاتر حق دارد داخل در مهلت قانونی ده روز پس از ابلاغ اعتراض نماید و مرجع اعتراض به کلیه آرای تصدیری از دادگاه انتظامی کانون وکلای؛ دادگاه عالی انتظامی قضاات می باشد

کلیه آرای تصدیری از دادگاه عالی انتظامی قضاات قطعی می باشد

نکته چهل و هشت:

محکوم علیه فقط حق دارد نسبت به محکومیت خود به مجازات انتظامی درجه ۴ و بالاتر اعتراض نماید و تفاوتی نمی کند که رای اجرای شده باشد یا اجرای نشده باشد

نکته چهل و نه :

اگر محکوم علیه بتواند حکم قطعی از مراجع ذیصلاح قضائی دایر بر جعلی بودن اسناد و مدارک که مستند صدور رای به محکومیت ایشان در دادگاه انتظامی شده است را ارایه نماید می تواند اعاده دادرسی نماید

نکته پنجاه :

اگر محکوم علیه بتواند حکم قطعی از مراجع ذیصلاح قضائی دایر بر خلاف واقع بودن شهادت شهود که مستند صدور رای به محکومیت ایشان در دادگاه انتظامی شده است را ارایه نماید می تواند اعاده دادرسی نماید

نکته پنجاه و یک :

محکوم علیه برای تقاضای اعاده دادرسی فقط یکماه پس از ابلاغ رای قطعی از مرجع قضائی فرصت دارد و اعاده دادرسی نیز در مورد مجازات انتظامی درجه ۴ و بالاتر آن میسر می باشد و در تخلفات با درجات ۱ و ۲ و ۳ امکانپذیر نمی باشد

نکته پنجاه و دو :

مجازات انتظامی به ۶ درجه تقسیم می شوند که ۳ درجه آن توبیخ کتبی می باشند

درجه یک توبیخ کتبی بدون درج در پرونده

درجه دو توبیخ کتبی با درج در پرونده پرسنلی

درجه سه توبیخ کتبی با درج در پرونده پرسنلی و مجله کانون و پایگاه اطلاعاتی کانون (سایت کانون وکلای)

مجازات درجه ۴ تنزل درجه می باشد که وکیل پایه یک به تنزل درجه یعنی پایه دو محکوم می گردد بدیهی است که در این فرض وکیلی که به حکم دادگاه انتظامی به تنزل پایه محکوم شده است؛ حق وکالت در دیوان عالی کشور و دعاوی در صلاحیت دادگاه کیفری یک را ندارد (در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ تنزل درجه از مجازات انتظامی درجه ۴ به درجه ۵ تغییر یافت)

نکته پنجاه و سه :

وکیل پایه دو باید به مدت سه سال اشتغال به وکالت در پایه دو داشته باشد و پروانه خود را همه ساله تمدید اعتبار نماید وکیل محکوم باید بلافاصله پس از قطعیت رای محکومیت ایشان پروانه پایه یک خود را تحویل کانون و پروانه پایه دو خود را دریافت نماید

معاون دادستان بعنوان مسئول اجرای احکام انتظامی باید با هماهنگی رابط کانون وکلای دادگستری (که اصولاً از بین اعضای هیئت مدیره کانون وکلای تعیین می گردد) با اداره آمار و انفورماتیک قوه قضائیه نسبت به اعمال تنزل پایه برای وکیل اقدامات لازم را مبذول دارد

مدت تعلیق و ممنوعیت از وکالت و تودیع پروانه، جزء مدت مذکور محاسبه نمی شود.

وکیل پایه دو نباید در مدت سه سال محکومیت انتظامی درجه چهار و پنج و پرونده انتظامی منجر به تنظیم کیفرخواست داشته باشد

نکته پنجاه و چهار :

پس از سپری شدن مدت سه سال از اشتغال به شغل وکالت در پایه دو وکیل می تواند با ارائه گواهی نداشتن محکومیت مؤثر کیفری در دوره اشتغال به وکالت پایه دو تقاضای ترفیع خود را به دفتر کانون تقدیم نماید که موضوع برای بررسی به کمیسیون ترفیعات ارجاع که اعضای کمیسیون ترفیعات که ۵ نفر از وکلای پایه یک دادگستری می باشند باید حداکثر ظرف یکماه پیرامون رد یا قبول تقاضای ترفیع اتخاذ تصمیم نمایند در صورت رد تقاضای ؛ متقاضی می تواند اعتراض خود را به هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری تقدیم نماید تا تصمیم نهایی اتخاذ گردد

نکته پنجاه و پنج :

یکی دیگر از مجازاتهای انتظامی وکلای ممنوعیت موقت ۳ ماه تا سه سال (که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ سه سال به دو سال کاهش پیدا کرد) برای وکیل متخلف می باشد که پس از قطعیت رای بلافاصله باید پروانه خود را تحویل کانون نماید و از هرگونه اقدام برای وکالت یا تظاهر به وکالت خودداری نماید در غیر اینصورت بر اساس ماده ۵۵ قانون وکالت که اشعار دارد وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است متخلف از یک الی شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. (در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ ممنوعیت موقت از مجازات انتظامی درجه ۵ به درجه ۴ تغییر یافت)

معاون دادستان بعنوان مسئول اجرای احکام انتظامی باید با هماهنگی رابط کانون وکلای دادگستری (که اصولاً از بین اعضای هیئت مدیره کانون وکلای تعیین می گردد) با اداره آمار و انفورماتیک قوه قضائیه نسبت به اعمال ممنوعیت و جلوگیری از دسترسی وکیل به سامانه خدمات الکترونیک قضائی بالاحص سامانه خود کاربری ویژه وکلای برای وکیل اقدامات لازم را مبذول دارد

نکته پنجاه و شش :

در صورت ارتکاب جرائم درجه یک الی شش موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، در طول مدت اجرای مجازات و حسب مورد مدت مقرر در بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی (مجازات تبعی) پروانه وکالت وکیل تمدید نمی شود و در سایر موارد مرتکب به تشخیص دادگاه انتظامی، به مجازات انتظامی درجه سه الی پنج محکوم می شود.

نکته پنجاه هفت :

سنگین ترین مجازات انتظامی برای وکیل دادگستری محرومیت دائم از شغل وکالت می باشد که پروانه وکالت ایشان باطل و حق وکالت در هیچ یک از مراجع ذیصلاح قضائی و شبه قضائی و اداری بعنوان وکیل دادگستری را ندارد

نکته پنجاه و هشت :

اگر دادرسان دادگاه انتظامی، دادستان انتظامی و معاونان وی و رؤسا و اعضای شعب و کمیسیونها راجع به انجام وظایفشان مرتکب تخلف شوند (سوء استفاده از موقعیت شغلی یا عدم انجام وظایف قانونی و ۰۰۰) مرجع شکایت انتظامی از آنها رئیس کانون وکلای دادگستری می باشد که پس از احراز تخلف پرونده را نزد دادستان کل فرستاده می شود که به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال گردد

در تاریخ ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ متن فوق به شرح ذیل اصلاح گردید (در مواردی که رئیس قوه قضائیه یا هر مقامی که اختیار رئیس قوه قضائیه در این ماده به وی تفویض شده است. در امور مربوط به وظایف یکی از اعضای هیأت مدیره کانون، دادرسان و یا دادستان دادگاه انتظامی تخلفی مشاهده کنند، مراتب را جهت رسیدگی به دادستان کل کشور اعلام می کند. دادستان کل کشور به فوریت تحقیق و در صورتی که تخلف را محرز دانست، پرونده را برای رسیدگی نزد دادگاه عالی ارسال می کند.)

اگر دادرسان دادگاه انتظامی، دادستان انتظامی و معاونان وی و دادیاران و هر یک از اعضای هیئت مدیره بعنوان وکیل دادگستری در رابطه با موکل خود و یا در مراجع ذیصلاح قضائی مرتکب تخلف شوند دادرسای و دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری محل اشتغال آنها صالح به رسیدگی می باشد

نکته پنجاه و نه :

مرجع شکایت انتظامی از هر یک از اعضای هیئت مدیره، راجع به وظایف آنها دادستان کل کشور است که پس از بررسی در صورت احراز تخلف پرونده را دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال می کند.

اگر هر یک از اعضای هیأت مدیره کانونهای وکلای دادگستری از اجرای مفاد قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری تخلف نماید به حکم دادگاه عالی انتظامی قضات علاوه بر محرومیت دائم از عضویت در هیأت های مدیره کانونهای وکلا به انفصال از وکالت به مدت دو تا پنج سال محکوم خواهند شد.

نکته شصت :

در مواردی پروانه وکالت وکیل تمدید نمی گردد مانند ابطال پروانه (که در آخرین اصلاحات ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ این مورد حذف گردید) ؛ بازنشستگی؛ از کارافتادگی بیش از هفتاد درصد؛ انصراف از وکالت؛

در آخرین اصلاحات ۱۴۰۲/۰۴/۱۱ این دو مورد حذف شدند (رأی مرجع قضایی مبنی بر ممنوعیت دائم از وکالت؛ رأی مرجع قضایی مبنی بر ممنوعیت موقت در طول مدت ممنوعیت.)

نکته شصت و یک :

پس از صدور حکم به محکومیت وکیل به تحمل مجازات انتظامی وکیل متخلف پس از سپری شدن مواعد ذیل اعاده حیثیت می‌شود و کلیه آثار محکومیت وی زایل می‌گردد

محکومیت انتظامی درجه ۱ و ۲، دو سال از تاریخ صدور حکم قطعی

محکومیت انتظامی ۳ و ۴، چهار سال از تاریخ صدور حکم قطعی

محکومیت انتظامی درجه ۵، شش سال از تاریخ صدور حکم قطعی

البته این مواعد برای عضویت در هیئت مدیره و دادگاه و دادرسی انتظامی، کمیسیون‌های کارآموزی و ترفیعات، به ترتیب چهار سال و پنج سال و هفت سال از تاریخ صدور حکم قطعی است.

تعدادی از عناوین تخلفات مهم که مجازات انتظامی آن درجه ۲ می‌باشد

عدم قبول و عدم رویت کلیه اوراق فرستاده شده از کانون؛ اخطار؛ کیفرخواست

عدم پاسخ به شکایت‌های و اعلامات انتظامی

عدم شرکت در برنامه‌های آموزشی که از سوی کانون وکلای برگزار می‌شود

عدم نگهداری سوابق موکلین تا ۱۰ سال پس از ختم دادرسی

تعدادی از عناوین تخلفات مهم که مجازات انتظامی آن درجه ۳ می‌باشد

دایر کردن دفتر در مکان نامناسب و مشارکت در اداره دفتر با اشخاص غیر وکیل

عدم تنظیم قرارداد مالی

عدم حضور در جلسات دادگاه که باعث تاخیر در رسیدگی شود

عدم استفاده از اختیارات قانونی برای اعتراض به آرا و یا اعتراض به نظریه کارشناس اما اگر وکیل اعتقادی به اعتراض نداشته باشد و در صورت تشخیص عدم ضرورت به اعتراض از سوی وکیل با توافق کتبی موکل تخلف محسوب نمی‌شود

خودداری از تمدید اعتبار پرونده ۶ ماه تا یکسال

قبول دعاوی قبل از تمدید پروانه

تعدادی از عناوین تخلفات مهم که مجازات انتظامی آن درجه ۳ یا ۴ می باشد

عدم پرداخت مالیات ؛ عدم پرداخت سهم کانون ؛ عدم پرداخت سهم صندوق حمایت

عدم تنظیم الحاقیه قرارداد

اعطای وکالت تعیین بدون داشتن حق توکیل وانتقال قراردادی بدون رضایت موکل یا پس از خاتمه قرارداد

تعدادی از عناوین تخلفات مهم که مجازات انتظامی آن درجه ۴ می باشد

اعمال و رفتار خلاف شان وکالت و یا اشتغال به شغلی که خلاف شان وکالت باشد

عدم رعایت شرعی و عرفی و قانونی در حجاب در مراجع قضایی ؛ دولتی ؛ محل کار

درج شروط خلاف اخلاق حسنه و شروط نامتعارف در قرارداد مالی

خودداری از استرداد اموال به موکل پس از انتفاء وکالت و یا خودداری از تسویه حساب در مهلت متعارف

انجام وقبول وکالت در حالت تعلیق

ممنوعیت وکالت در درجه بالاتر از درجه پروانه خود

عدم اطلاع رسانی به موقع استعفاء به موکل و دادگاه که باعث تجدید جلسه گردد و باعث ضایع شدن حق موکل گردد

تبلیغ سوء علیه قضات ؛ وکلای ؛ در فضای (مجازی - واقعی)

تعدادی از عناوین تخلفات مهم که مجازات انتظامی آن درجه ۵ می باشد

افشا سر موکل مربوط به وکالت یا مربوط به اعتبار یا شرافت و حیثیت موکل باشد (بر اساس مقررات جزائی در

برخی از موارد وکیل مجبور به همکاری با مراجع ذیصلاح قضائی می باشد مثلاً هرگاه متهم، نوشته، اسناد،

مدارک، اسباب و ادله مؤثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری بسپارد، بازپرس میتواند آنها

را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استتکاف اشخاص مذکور از ارائه آنها،

مستتکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم میشود)

میزان مجازات برای خلاصی متهم از محاکمه بر اساس قوانین جزائی یک تا سه سال حبس می باشد

تعیین حق الوکاله قسمتی از مدعی به یا محکوم به (غیر ازوجه رایج)

تخلف از سوگند (مفاد سوگند : احترام به قوانین و نظامات / عدالت خواهی و احقاق حق / عدم اظهار و اقدام برخلاف شرافت قضاوت و وکالت / احترام به اشخاص و مقامات قضایی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص / دوری از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جویی / راستی و درستی در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام داده می شود / مدافع از حق /)

عدم تمدید پروانه ۱۸ ماه تا ۲ سال

قبول پرونده علیه موکل قبلی خود در همان موضوع

تضمین نتیجه و یا تعیین حصول نتیجه در مدت معین

تعددی از عناوین تخلفات مهم که مجازات انتظامی آن درجه ۶ می باشد

عدم تمدید پروانه پس از ۲ سال

بر خلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باشد و ظرف ۱ ماه از تاریخ اعلام کانون ضمن اعلام انصراف پروانه خود را تودیع ننماید

در حین دریافت پروانه واجد شرایط دریافت پروانه بوده اما پس از آن فاقد شرایط شده و حداکثر ظرف یک ماه کتباً به کانون اعلام نکرده است

استعمال مسکر و مواد مخدر و تجاهر به رفتار خلاف قانون یا خلاف شرع

تبانی با طرف دعوی و تضییع حق موکل

بر محمد و آل محمد صلوات

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

التماس دعا